

## ایران و لزوم اتخاذ دیپلماسی واقع بینانه

ابراهیم یزدی، وزیر خارجه دولت موقت

۱۳۸۵/۱۱/۲۴



۱- قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد، برخی از محدودیت های سیاسی، اقتصادی علیه ایران را به دلیل عدم اجرای قطعنامه ۱۶۹۶ و توقف کامل غنی سازی اورانیوم و فعالیت های هسته یی مربوط به سوخت اتمی تصویب کرده است. این قطعنامه همچنین از آژانس بین المللی انرژی اتمی خواسته است که بعد از ۶۰ روز، گزارشی از فعالیت های هسته یی ایران قید و به شورای امنیت ارائه دهد تا این شورا بر اساس آن گام بعدی را در مورد مساله هسته یی ایران بردارد. پیش بینی می شود که اگر ایران تا پایان مهلت مقرر در این قطعنامه از مفاد آن تبعیت نکند، یعنی تمام فعالیت های مربوطه به سوخت هسته یی خود را متوقف نسازد، گام بعدی، قطعنامه جدیدی با تحریم های گسترده تری علیه ایران، خواهد بود. اکنون پرسش اساسی این است که این نوع قطعنامه ها تا چه

میزان بر وضعیت سیاسی و اقتصادی و نظامی ایران اثرگذار خواهند بود. در حالی که برخی از مسوولان کشور تهدیدات را جدی و خطرناک می دانند، برخی دیگر با استناد به تاثیرات ناچیز تحریم ها و محدودیت های اقتصادی طی ۲۷ سال گذشته، قطعنامه های جدید را چندان جدی نمی گیرند و آنها را موثر نمی دانند.

۲- در روابط بین المللی، هنگامی که اختلاف و درگیری میان دولت ها یا میان یک کشور با سازمان ملل بالا می گیرد، تحریم ها، به خصوص تحریم های اقتصادی به منظور ایجاد محدودیت در مبادلات اقتصادی یکی از ابزارهای شناخته شده است. این تحریم ها، عمداً از جانب قدرت های برتر اقتصادی - نظامی علیه کشورهای ضعیف تر، صورت می گیرد. اما همیشه این طور نیست. در مواردی، تحریم های اقتصادی به عنوان ابزار برای مبارزه با سلطه یک قدرت اقتصادی - سیاسی برتر، توسط ملت هایی که برای استقلال خود می جنگند اتخاذ می شود. نظیر تحریم مصرف کالاهای انگلیسی که رهبران هند، از جمله مهاتما گاندی در مبارزه علیه استعمار انگلیس، اعلام کردند و به دلیل استقبال مردم هند موثر نیز واقع شد. تحریم های اقتصادی معمولاً یا از جانب قدرت های بزرگ علیه کشورهای کوچک تر به منظور اعمال سلطه است یا از طریق سازمان ملل متحد علیه کشورهایی که به هر دلیل و علتی، مفاد منشور سازمان ملل متحد را زیر پا می گذارند، اتخاذ می شود. میزان تاثیرگذاری این تحریم ها، در راستای حل مشکل روابط کشورها با یکدیگر یا اصلاح و رفتاری یک دولت متمرکز از مقررات جهانی، به موضوع مورد مناقشه و موقعیت دولت قدرتمند تحریم کننده در روابط جهانی و همچنین، رابطه دولت تحریم شده با سایر دولت ها دارد. به عنوان مثال سازمان ملل متحد، به کرات در اعتراض به سیاست های نژادپرستانه آفریقای جنوبی، در دوران سلطه سفیدپوستان، قطعنامه هایی را به تصویب رسانید. اما این قطعنامه ها اثر تعیین کننده برای پایان دادن به آپارتاید در آفریقای جنوبی نداشت. زیرا برخی از کشورهای قدرتمند غربی، به رغم قطعنامه های سازمان ملل به دولت آفریقای جنوبی کمک می کردند و عملاً قطعنامه ها را نادیده می گرفتند. همانطور که امروزه در مورد دولت اسرائیل نیز چنین است. گاهی یک گروه از کشورها، علیه یک دولت دیگر، دست به تحریم های اقتصادی - سیاسی می زنند. نظیر تحریم های اتحادیه عرب علیه اسرائیل. به موجب این تحریم ها، کشورهای عربی موظف بودند روابط تجاری خود را با شرکت های خارجی که با اسرائیل روابط اقتصادی داشتند، قطع کنند. اما از آنجا که دولت های عربی در روابط خود با قدرت های اروپایی و امریکا، یکپارچه نبودند، این قطعنامه کارایی چندانی نداشت و در مبارزه علیه اسرائیل تاثیر چندانی ایجاد نکرد. در برخی از موارد، تحریم علیه یک کشور، به تحریم در یک

کادر مشخص محدود است؛ نظیر تحریم خرید نفت ایران توسط انگلستان در دوران حکومت ملی دکتر مصدق. با توجه به نقش درآمد نفت در اقتصاد ایران، دولت انگلیس امیدوار بود که این تحریم موجب تلاطم های بزرگ اقتصادی در ایران و سقوط دولت دکتر مصدق شود و ایران به زانو درآید. تحریم خرید نفت ایران، به دلیل قدرت نظامی - سیاسی انگلیس، موثر واقع شد. شرکت های نفتی امریکایی و انگلیسی از خرید نفت ایران خودداری کردند. شرکت های نفتی روسیه نیز با احتیاج به خرید نفت ایران نداشته یا در مناسبات جهانی آمادگی برخورد با انگلیس را به خاطر ایران نداشتند. یک شرکت نفتی ایتالیایی که مستقل بود و به رغم انگلستان اقدام به خرید نفت ایران کرد، دولت انگلیس با استفاده از امکانات نظامی - دریایی خود، نفتکش های حامل نفت خریداری شده از ایران را در آب های بین المللی متوقف کرد. اما تحریم خرید نفت ایران تاثیر چندانی در داخل کشور ایجاد نکرد. زیرا دکتر مصدق با طرح و اجرای تز اقتصاد بدون نفت و بسیج مردم برای مقابله با تحریم ها، توانست نه تنها با پیامدهای قطع درآمد نفت مقابله کند، بلکه برای اولین بار و شاید آخرین بار، تراز تجارت خارجی ایران مثبت شد. هنگامی که قانون ملی شدن نفت و خلع ید از شرکت سابق نفت انگلیس به تصویب رسید و به اجرا گذاشته شد، دولت انگلیس با این پیش فرض که ایرانیان قادر به اداره صنعت پیچیده نفت و پالایشگاه ها نیستند، همکاری اتباع خود با شرکت ملی نفت ایران را تحریم و ممنوع ساخت. اما توانمندی نیروهای متخصص ایرانی و هنر و مدیریت مهندس بازرگان در جذب تمامی این نیروها برای به راه انداختن تاسیسات نفت جنوب این تصور نادرست انگلستان را باطل ساخت و راه مقابله با تحریم های خارجی را نشان داد. بنابراین هر تحریمی، در هر شرایطی و درباره هر موضوعی، لزوماً نتیجه بخش نیست و به موضوع تحریم، مناسبات جهانی، توانمندی های درونی کشور و فهم و درک و قابلیت مدیریت مسوولان کشور بستگی مستقیم دارد.

۳- در طول ۲۷ سال گذشته روابط ایران با امریکا و برخی دیگر از کشورهای غربی پرتنش، غیرعادی و غیردوستانه بوده است. ریشه این تنش ها را در مواردی باید در روابط ایران و امریکا در دوران قبل از انقلاب جست و جو کرد. اما این پرسش جدی مطرح است که آیا این سوابق گذشته، باید لزوماً به درگیری و تنش بینجامد؟ و آیا راه های دیگری با محتوای دیگری امکان پذیر نبوده است؟ رهبران هند، بعد از مبارزات فراوان و پایان دادن به استعمار انگلیس در هند، با درک و تعریف واقع بینانه از منافع ملی هند روابط کشورشان با انگلیس را در قالب کشورهای مشترک المنافع (انگلیس و سایر کشورهای مستعمره سابق انگلیس) تنظیم کردند و این به نفع هند تمام شد. اما در ایران چنین نشد. و شاید هم امکان پذیر نبود، و اگر هم تعریف جدیدی از روابط میان دو کشور بر اساس منافع ملی و اولویت های نظام جدید میسر بود، با گروگانگیری و نگهداری گروگان ها برای ۴۴۴ روز، امکان آن از بین رفت. بنابراین روابط ایران با امریکا و متاثر از آن، با سایر کشورها به شدت پرتنش شد.

در دوران ریاست جمهوری کارتر پس از ناکامی در برخورد با ایران و قطع روابط دیپلماتیک، تحریم های یک جانبه علیه ایران تصویب و به اجرا گذاشته شد. بعد از کارتر تنش در روابط میان ایران و امریکا همچنان ادامه یافت و مصوبات جدیدی علیه ایران به تصویب دولت و کنگره امریکا رسید (نظیر قانون داماتو) اما این تصمیمات تماماً یک طرفه توسط دولت امریکا اتخاذ شد و سایر کشورها، نهادهای بین المللی از جمله سازمان ملل، نقش چندانی در آنها نداشتند و تعهدی به حمایت یا تبعیت از آن را نداشتند. با وجود این برخی از کشورها، نظیر انگلیس که سیاست های همسو با امریکا دارند، از این تحریم ها حمایت کردند. برخی دیگر از کشورهای اروپایی یا ژاپن و چین و روسیه، با توجه به ساختار اقتصاد جهانی و مناسبات این کشورها با امریکا، خود را مجبور دیدند تا با مواضع امریکا علیه ایران هماهنگی نشان بدهند. بنابراین اگرچه این تحریم ها یک جانبه از طرف امریکا اتخاذ شده بود اما در محورهای متعددی آثار خود را بر اقتصاد ایران نشان داد. به عنوان مثال تحریم فروش هواپیماهای مسافربری و لوازم یدکی آنها، ناوگان هوایی ایران را دچار مشکل کرده است. به طوری که وزیر اسبق راه و ترابری در پاسخ سوال نمایندگان مجلس با صراحت اظهار داشت به

علت این تحریم‌ها ایران مجبور شده است هواپیماهای مسافربری با کیفیت بسیار نازل از روسیه و اوکراین و یا هواپیماهای مستعمل از سایر کشورها، خریداری کند، نتیجه این وضعیت سقوط پی در پی هواپیماها و تحمل تلفات بسیار سنگین بوده است. تحریم ایران در قلمرو خدمات فنی در صنعت نفت موجب زیان و ضررهای جبران ناپذیری به چاه‌های نفت ایران شده است. چاه‌های نفت ایران سال‌هاست که به رغم بهره‌برداری مستمر، بازسازی نشده‌اند و نه تنها بازدهی آنها کاهش پیدا کرده است بلکه تخریب‌های جبران ناپذیری را هم موجب شده است. تکنولوژی بازسازی چاه‌های نفت به طور عمده در انحصار شرکت‌های امریکایی است و تحریم امریکا قطعاً بر روند بازسازی چاه‌های نفت ایران اثرگذار بوده است. تهیه برخی از لوازم یدکی یا کالاهای واسطه‌ای صنایع ایران، به علت تحریم، یا میسر نبوده است یا با قیمت‌های گزاف و کیفیت پایین تهیه شده‌اند. تحریم فروش تسلیحات نظامی بدون تردید، در توانمندی و کارایی رزمی ایران در جنگ کلاسیک تأثیرات منفی دارد. اعمال محدودیت روادید ورود به امریکا برای متخصصین ایرانی، نظیر پزشکان و جلوگیری از حضور و مشارکت آنان در همایش‌های علمی که در امریکا برگزار می‌شوند، بر فرآیند رشد و توسعه علمی اثرات منفی داشته است. متخصصینی که دانش علمی آنها کاملاً به روز است اگر نتوانند ارتباط خود را با جریان‌های علمی جهانی مستمر سازند، دانش علمی آنان به زودی ارزش تاریخی پیدا خواهد کرد. اگر چه انقلاب الکترونیک تا حدود بسیار زیادی اثرات منفی این کمبود را برای پژوهشگران ایرانی کاهش می‌دهد اما استفاده از اینترنت برای به روز کردن اطلاعات علمی به تنهایی کافی نیست. اثرات تحریم خرید کالاهای صادراتی ایران نظیر پسته، فرش، زعفران و غیره نیز قابل بررسی است و تأثیر این تحریم‌ها بر بازار فرش ایران آن چنان است که حتی وقتی دولت کلیتاً برای هموار ساختن راه مذاکره با ایران و بهبود روابط به طور یک جانبه تحریم واردات برخی از کالاهای ایران، نظیر فرش را به امریکا لغو کرد فرش ایران نتوانست جایگاه برتر گذشته خود را به دست آورد.

۴- در طول جنگ ایران و عراق، سازمان ملل متحد قطعنامه‌های متعددی درباره آتش بس، مذاکره، پایان تخاصم و صلح بین دو کشور همسایه ایران و عراق تصویب کرد. بعضی از این قطعنامه‌ها را ایران و برخی دیگر را عراق نپذیرفت. اما در هیچ یک از آنها تحریم و مجازات، پیش‌بینی نشده بود. قطعنامه‌های اخیر ۱۶۹۶ و ۱۷۳۷، شاید اولین قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران در ۲۸ سال گذشته محسوب می‌شوند، این قطعنامه‌ها دو بخش اصلی و دو ویژگی مهم دارند. بخش اول این است که با صراحت از ایران خواسته شده است که کلیه فعالیت‌های خود پیرامون سوخت هسته‌ای، از جمله غنی‌سازی اورانیوم و سایر فعالیت‌های مربوطه را متوقف سازد. دومین بخش اصلی، پیامدهای عدم تمکین ایران از قطعنامه‌ها است، که هنوز خیلی جدی، شفاف و همه‌جانبه نشده است. اما دو ویژگی عمده این قطعنامه‌ها عبارتند از اول اتفاق نظر میان تمام اعضای دائم و غیردائم شورای امنیت پیرامون آنچه ایران باید انجام بدهد، ویژگی دوم این است که این قطعنامه‌ها، اقدامات ایران را خطر جدی برای صلح و امنیت جهانی تلقی کرده‌اند (بند ۴۰ و ۴۱ فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد)، اگرچه هنوز در مورد نوع برخورد با ایران و گسترش تحریم‌ها تصمیم جدی گرفته نشده است اما یک اجماع یا اتفاق نظر جهانی به وجود آمده است. بنابراین تحریم‌های ناشی از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران، به هیچ وجه با تحریم‌های گذشته که یک طرفه و مستقیماً توسط خود دولت امریکا علیه ایران اتخاذ و اجرا شده است قابل مقایسه نیست و تفاوت‌های جدی و محتوایی وجود دارد، که نمی‌توان و نباید نسبت به آنها سهل‌انگاری کرد، بلکه باید آنها را جدی گرفت و برای علاج واقعه قبل از وقوع متناسباً راهکارهای سیاسی دیپلماسی واقع‌بینانه‌ی را در سطح ملی بر محور وفاق ملی و در سطح بین‌المللی در راستای کاهش تنش‌ها و شکستن جبهه متحد علیه ایران، اتخاذ کرد.